

مقدمه

هدف مقاله حاضر بررسی نقش روند جهانی سازی در چالشهای برنامه ریزی شهر تهران است، زیرا یکی از بحث‌های مهم در خصوص آینده کلانشهر تهران همانا موضوع جهانی سازی یا جهانی شدن است. البته هدف اصلی برنامه ریزی و مدیریت شهری در کلانشهری چون تهران (که امروزه مورد توجه طرح جامع تهران قرار گرفته است) ارتقای بهره‌وری کل سیستم‌های اقتصادی و مدیریتی این شهر است. این خود ابزاری است برای رسیدن به هدف نهایی ارتقای کیفیت زندگی تمامی ساکنان این شهر. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که نیل به این هدف نهایی تا چه انداره به جهانی شدن شهر تهران وابسته است. برای بررسی کامل این موضوع، مقاله حاضر پیرامون این سه پرسش، که در سه قسمت سازمان یافته است:

۱. آیا تهران شهری "جهانی" (یا "در حال جهانی شدن") است؟

۲. جهانی سازی یا بهره‌وری؛ چالش اصلی که فرازوی تهران قرار دارد چیست؟

۳. موانع تبدیل تهران به شهری جهانی چیست؟

در قسمت اول سعی بر آن است که چارچوبی نظری برای بررسی نقش کلانشهر تهران در شرایط بین‌المللی یا جهانی سازی به دست داده شود. در این قسمت، این نتیجه به دست می‌آید که به رغم بعضی از باورها بر منای شاخص‌های مرسوم، شهر تهران نه در داخل شبکه شهرهای جهانی است و نه به سوی جهانی شدن است. قسمت دوم به این نتیجه می‌رسد که ارتقای بهره‌وری و کیفیت زندگی به طور کامل وابسته به جهانی شدن نیست، اما بی‌شك برخی از ابعاد کیفیت زندگی به آن وابسته است.

گفتنی است که مقاله حاضر در پی تحلیل دقیق وضعیت شهر تهران نیست، ولی امید می‌رود که در فرصت‌های آتی به این مقوله پرداخته شود. قسمت سوم این ادعا را بررسی می‌کند که موانع تبدیل کلانشهر تهران به شهری جهانی، ریشه در عوامل اقتصادی - سیاسی دارد که از سطح شهری فراتر است.

جهانی سازی یا بهبود بهره‌وری

بررسی ارتباط بین چالش‌های اصلی کلانشهر تهران

نویسنده: کیان تاجبخش
دکتر در برنامه ریزی شهری

پرسش ۱: آیا تهران شهری "جهانی" (یا "در حال جهانی شدن") است؟

پرداختن به این پرسش روش ساختن دو مجموعه از داده‌ها و مفاهیم را طلب می‌کند. نخست اینکه جهانی سازی چیست و دارای چه ابعادی است؛ دوم اینکه تعریف شهر "جهانی" چیست.

جوز استیلیتیز، برنده جایزه نوبل، جهانی سازی را چنین تعریف می‌کند: "یکبارچکی بیشتر کشورها و مردم جهان که با کاهش شدید هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات میسر گردیده است. و در هم شکستن مرزهای مصنوعی در برابر جریان کالاها، خدمات، سرمایه، دانش و (به میزانی کمتر) مردم". در نتیجه جهانی سازی، بازارها آن در سرتاسر جهان یکپارچه شده و واستگی متقابل بیشتری پیدا کرده‌اند. البته گسترش یکپارچه سازی، و ثمره‌های آن در مناطق، کشورها و حتی شهرهای مختلف ناهمگون بوده است. در بخش‌های بعد و در هنگام بحث درباره شهرهای جهانی، سنجه‌های کمی این فرایند بررسی خواهند شد. اگرچه جهانی سازی را می‌توان نداوم بین المللی سازی تقسیم بندهی نیروی کار در درون سرمایه داری دانست (فرابندی طولانی که دست کم ۵۰ سال است ادامه دارد)، برخی از تحلیل گران حدود سال ۱۹۷۰ را نقطه عطف و سرآغاز مرحله جهانی سازی می‌دانند. مثلاً کاستلز چنین استدلال می‌کند که مرحله حاضر نمایانگر عصر حديث تشدید عمق و گستره ساختار اجتماعی و تحولات اقتصادی در اصل بر اطلاعات و سازماندهی امروزین شبکه‌ای جامعه استوار است. لیکن در میان تحلیل گران، در باره تمایز موقعیت کنونی اتفاق نظر وجود ندارد. در واقع، بسیاری از نویسندهای فرض عصر جهانی جدید را رد می‌کنند و در عوض، اینچه را که امروزه رخ می‌دهد نشانه تشدید عمق و گستره کرایش‌هایی می‌دانند که دست کم پانصد سال قدمت دارند. در مقاله حاضر به استفاده از اصطلاح جهانی سازی ادامه داده می‌شود، ونی در باره مسئله تمایز تاریخی آن اظهار نظر نمی‌گردد. اگرچه جهانی سازی در اصل پدیده‌ای اقتصادی است، ولی علاوه بر ابعاد اقتصادی دارای جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و فضایی نیز هست. در سطح نهادی، سازمان‌های بین المللی همچون "صندوق بین المللی پول"، "سازمان تجارت جهانی" و "سازمان ملل متحده" نسبت به دوره‌های گذشته نقش مهم تری اتفاق می‌کنند. یکپارچه سازی در این سطح تا حدی به معنای عضویت در این نهادها و تأثیرگذاری مناسب بر سیاست‌ها و پروتکل‌های آنهاست. از جمله می‌توان از پروتکل‌های تجاری و کنوانسیون‌هایی همچون "حقوق پیر" نام برد. برخی از نویسندهای جهانی سازی را با گسترش دموکراسی و نظام‌های سیاسی نیزرا، و تقاضا برای حقوق به عنوان بخشی از فرایند جهانی سازی مرتبط می‌دانند (موج سوم دموکراسی). برخی دیگر به واکنش‌های مذهبی یا جمیعتی همچوی فوئی و نیروی اسم در برابر جهانی سازی اشاره می‌کنند.

در سطح فرهنگی، در باره محتوا و ویژگی‌های دقیق فرهنگ فرضی "جهانی"، بحث‌های بسیاری مطرح است. با وجود این، بسیاری بر این عقیده‌اند که تغییر ارزش‌ها (از قبیل افزایش روزافزون فردگرایی، حقوق برابر، مصرف گرایی، احترام به محیط زیست، چند فرهنگی گرایی، (به معنای تحمل باورها و شیوه‌های متفاوت‌زندگی) بخشی از معنای جهانی سازی، با به نوعی نتیجه واستگی اقتصادی متقابل بیشتر هستند. به نظر برخی از نویسندهای جهانی سازی فرایندی همسو با مدرنیته است. با این حال، حوزه مذکور بسیار بحث انگیز است، چون این خطرو وجود دارد که بر فهرستی دلخواهی یا ذهنی از ویژگی‌ها مبنی گردد. از این‌رو شاید بهتر باشد برای جهانی سازی از تعریفی همچون تعریف استیلیتیز استفاده شود که در اصل اقتصادی است. حال به تعریف شهرهای جهانی باز می‌گردیم.

۱-۱. شهرهای جهانی به مثابه بخشی از شبکه شهرها:

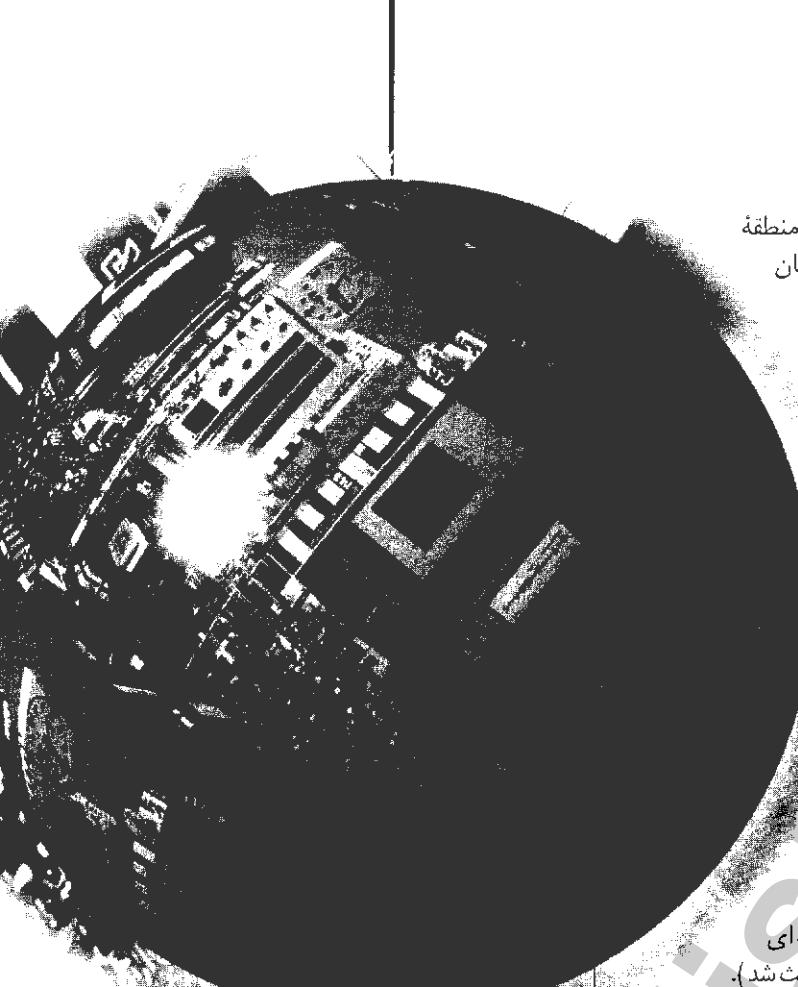
تعاریف و بحث‌های متعددی در باره شهرهای جهانی مطرح گردیده است. در اینجا دو تمایز مهتممی که می‌توان در منابع مربوط به این موضوع یافت، یعنی تمایز میان (الف) روابط اقتصادی و فضایی بین شهرها در نظام جهانی شهرها، و (ب) الگوهای فضایی شهرها که از جهانی سازی تأثیر می‌پذیرند، مطرح می‌گردند. در بخش‌های بعد به بررسی این تمایزات پرداخته خواهد شد.

منطق و شرح الگوی شهرهای جهانی را می‌توان این گونه خلاصه کرد: "یکی از پرسش‌های اصلی که باید در مطالعات معاصر شهرشناسی به آن پاسخ داده شود، این است که چرا در شرایط ارتباطات همزمان، که ظاهرا به نفع تمکن‌گزدایی با حتی بدکدست سازی است، هنوز به شهرهای جهانی بزرگ نیاز است. پاسخ به این پرسش دو مکتب

فکری متمایز را ایجاد کرده است که یکی "شهری" است و دیگری بر "شبکه" تاکید می‌ورزد. این دو مکتب به بهترین نحو در آثار مایکل استورپر (۱۹۹۷) و ساسکیا ساسن (۲۰۰۱، ۲۰۰۰) ارائه شده‌اند. به نظر استورپر فناوری‌های جدید توان افزای جای پراکنده سازی و تمرکز زدایی فعالیت‌های اقتصادی، به ایجاد کانون‌های تمرکز ویژه فعالیت‌های اقتصادی انجامیده‌اند. وی چنین استدلال می‌کند که ویژگی اقتصاد جهانی معاصر، اقتصاد بازتابی [۲] است که در آن، کارآفرینی موفق است که بخشی از فرایند یادگیری مستمر و سرشار از دانش باشد. چنین فرایندهایی تنها می‌توانند به صورت جمعی و در مکان‌های بسیار ویژه رخدهند، و به ایجاد دارایی‌های محلی که تکثیر آنها در جای دیگر دشوار است، منجر گردند. استورپر هالیوود را نمونه آشکاری از چنین فرایندهایی می‌داند. وی در استدلال خود از شهرها به عنوان پایگاه‌های اقتصاد، و شبکه‌های در رهم تبیه و متراکم فعالیت‌های یادگیری، که اقتصاد جهانی معاصر را هدایت می‌کنند، نام می‌برد. این نظریه شهری دلایل شکوفایی شهرها را به عنوان مکان، به خوبی توضیح می‌دهد، ولی درباره شبکه‌های شهرها توضیح چندانی نمی‌دهد. بدین منظور باید دیدگاه ساسن را درباره شهرهای جهانی مورد توجه قرار دارد وی در استدلالی که به مفهوم اقتصاد بازتابی شbahat دارد، ارائه خدمات پیشرفته به تولید کنندگان را شهرهای جهانی ساسن چیزی فراتر از مکان و قرعه ویژگی اصلی شهرهای جهانی معاصر می‌داند. شهرهای جهانی ساسن چیزی فراتر از معاملات فراوان هستند. خدمات پیشرفته توکل کنندگان، در سطح جهان توکل کنندگان، در سطح جهان به سرمایه جهانی توزیع می‌کند و لی سیار فراتر از آن اند: آنها در زمینه ایجاد زمینه ایجاد محصولات جدید مالی، حقوقی، حسابداری و نظایر اینها که نیازمند پایگاه دانش سرشار شهرهای است (که استورپر توصیف می‌کند)، از خود خلاقیت نشان می‌دهند. تفاوت اصلی این است که به نظر ساسن این شهرها بخشی از شبکه مکان‌های راهبردی هستند و بنابراین یادگیری باید فراتر از برخی مکان‌های خاص باشد. آنچه سرشار شهرهای است، از خود خلاقیت نشان می‌دهند. در قلب این فرایند قرار دارد، شبکه‌ای از شهرهای جهانی است، و نه شهرهای منفرد [۳].

متغیر اصلی که در این رویکردها به چشم می‌خورد توانایی شهرها در اجرای وظایف مهم در اقتصاد جهانی بین‌المللی، همچون هماهنگی و کنترل سرمایه مالی از طریق خدماتی مانند حسابداری، تبلیغات، بانکداری، امور مالی و حقوقی است. توانایی بیشتر در راکثر موارد به افزایش ارتباط با سایر شهرهای شبکه منجر می‌شود. ویژگی این شبکه ممکن است سلسله مراتب شهرهای باید که در آن، مهم ترین شهرها در رأس شبکه قرار دارند و وظایف فرماندهی و هماهنگی جهانی و منطقه‌ای را عهده دار هستند توانایی شهرها و ارتباط پذیری واقعی آنها را می‌توان به صورت تجربی به شیوه‌های مختلف اندازه گیری کرد.

۱-۱-۱. محل شرکتهای تولیدکننده خدمات تولیدی پیشرفته: تیلور و بیوراستاک با استفاده از حضور شرکت هایی که چهار نوع خدمات اساسی تولید کنندگان را او ائمه می‌دهند، نخستین طبقه بندی شهرهای جهانی بر مبنای داده‌های تجربی را ایجاد کرده‌اند. این خدمات که ساسن و استورپر شناسایی کرده‌اند، شامل خدمات حسابداری، تبلیغات، بانکداری / تأمین مالی و حقوقی هستند. تیلور در توضیح شیوه کار خود می‌گوید: "ابتداء توانایی شهرها برای ارائه هر یک از چهار خدماتی که در زمینه آنها اطلاعات شده بود، به صورت جداگانه برآورد گردید. برای این کار از اطلاعات مربوط به حضور، بزرگی، و نقش دفاتر شرکت‌ها در شهرهای سرتاسر جهان استفاده شد. سپس با جمع بندی این نتایج بخشی، سطوح "جهانی بودن شهر" تعیین گردید. بدین ترتیب ۵۵ شهر به عنوان شهر جهانی در نظر گرفته شدند و در ۶۷ شهر دیگر شواهدی مبنی بر تبدیل شدن به شهر جهانی وجود داشت. جدول ۱ همه ۱۲۳ شهری را که در ۱۲ سطح جهانی قرار گرفته شان می‌دهد. ۵۵ شهری که در این گروه بالایی قرار گرفته‌اند، شهرهای جهانی آلفا نامیده شدند. طبق معمول در این قسمت هیچ چیز شگفت‌انگیز وجود ندارد و ۱۰ شهر مذکور اینها هستند: ۴ شهر از اروپای غربی، ۳ شهر از ایالات متحده امریکا، و ۳ شهر از کشورهای آسیایی سواحل آقیانوس آرام. همین سه منطقه جهانی در گروه بتانیز حضور دارند، ولی شهرهای حاشیه ای این گروه شامل سیدنی، تورنتو، مکزیکوستی و مسکو هستند. علاوه بر این، منطقه جهانی سومی نیز پدیدار شد که سائوپولوی امریکای جنوبی در آن قرار دارد. در انتهای همین طیف بود که تردید درباره تعیین شهرهای جهانی حکم‌فرمایی شد. شهرهایی که بین ۴ تا ۶ امتیاز دارند شهرهای جهانی گام‌انا نامیده می‌شوند. همه شهرهایی که این امتیاز را کسب می‌کنند باید مراکز خدمات جهانی در دست کم دو بخش خدماتی



باشدند. این تعریف ۳۵ شهر دیگر را در بر می‌گیرد که عمدتاً در سه منطقه اصلی قرار دارند، ولی سه نماینده دیگر از امریکای جنوبی نیز در میان آنها به چشم می‌خورند. نخستین شهر جهانی افریقا، یعنی ژوهانسبورگ، در این گروه جای می‌گیرد، ولی در آسیا جنوبی یا خاورمیانه (اگر استانبول را اروپایی محسوب کنیم) هیچ شهر جهانی وجود ندارد. ۶۸ کشور باقی مانده کشورهایی هستند که نشانه‌هایی از فرایند جهانی شدن را در خود دارند، ولی این نشانه‌ها چندان قوی نیستند که آنها را شایسته عنوان شهر جهانی کنند. شهرهای جالب ۱۲ شهری هستند که ۳ امتیاز کسب کرده‌اند. یکی از شهرهای خاورمیانه، یعنی تل آویو، و دو شهر آسیای جنوبی، یعنی بمبئی و دهلی تو در این گروه قرار دارند، و این خود ممکن است شاند هنده مراحل اولیه پرکردن حفره‌های موجود در نقشه شهرهای جهانی باشد.

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تهران در فهرست ۱۲۳ شهر جهانی قرار ندارد.

۱-۱-۱. رتبه بندی اعتباری شهرها: یکی دیگر از سنجه‌های توانایی شهرها برای اجرای کارکردهای اقتصادی جهانی با منطقه‌ای، رتبه بندی اعتباری است که سازمان‌هایی همچون مودی، استاندارد آند پور و فیچ ارائه می‌دهند (رتبه بندی‌های اعتباری نمونه‌ای از خدمات تولید کنندگان "هستند که در اینجا پیشتر در باره‌شان بحث شد").

تجویه استفاده از رتبه بندی اعتباری به عنوان سنجه جهانی سازی این گونه بیان شده است: "البته این ادعا که صنعت رتبه بندی و جهانی سازی پیوسته همسو با یکدیگرند،

اغراق آمیز است، ولی تأثیر گذاری متقابل این دو بر یکدیگر کاملاً آشکار است. بازار اوراق قرضه از نخستین روزها نوعی راهکار عملیات از راه دور بود: سرمایه گذاران بخش خصوصی می‌توانستند هزاران کیلومتر دورتر از مکان‌های اجرای فیزیکی پروژه زندگی کنند، و دفاتر متعدد در شهرهای گوناگون جریان مالی را در جهت‌های مختلف حفظ می‌کرد. سرمایه گذاران دور دست به شدت نیازمند اطلاعات دقیق و قابل انتکا بودند که ترجیحاً باید به شکلی ساده و استاندارد ارائه می‌شد... رتبه بندی‌های اعتباری به "بازان" جهانی جامعه بین‌المللی بدل گردید. این بدان معنا بود که به وسیله کدهای کوتاه، اطلاعات مربوط به اعتبار، و در مقیاس گسترده‌تر، در بازه ویژگی‌های مالی، اجتماعی و سایر ویژگی‌های یک نقش افرین مشخص در اقتصاد جهانی منتشر می‌شد... این خود شامل اوراق قرضه شهرداری‌ها و مهمه تراز همه رتبه‌های شرکت‌ها، دولت‌ها و شرکت‌های شرکتی یکپارچه محسوب می‌شوند". آنها چنین نتیجه گیری کردند: "شهرهای جهانی سازمان‌های متخصص خدمات رتبه بندی را جذب می‌کنند و باعث می‌شوند چنین سازمان‌هایی به نوبه خود به ارتباط پذیری شهرها و روابطی شدن آنها کمک کنند" [۴].

آنها با بهره گیری از پایگاه اطلاعاتی ۱۲۳ شهر که ارتباط پذیری آنها اندازه‌گیری شده بود، چنین نتیجه گیری کردند که ۷۹ شهر به طور مستقیم یا غیرمستقیم رتبه بندی شده‌اند (یعنی $\frac{4}{2} = 6$ درصد کل ۱۲۳ شهر) که در این میان ۱۰ شهر در خاورمیانه قرار دارند: ابوظبی، بیروت، قاهره، دبی، استانبول، جده، کراچی، کویت، ریاض، و تل آویو. همان‌طور که مشاهده می‌شود، شهر تهران در این فهرست قرار ندارد. در بخش‌های بعد به برخی از دلایل این امر اشاره خواهد شد.

۱-۱-۳. ترافیک هوایی جهانی: سومین راه سنجش تجربی میزان یکپارچگی شهرها در سیستم جهانی شهرها، اندازه گیری جریان‌های حمل و نقل هوایی مسافر است. ویتلوكس، وریکن و درادر منطق این رویکرد را چنین توضیح می‌دهند: "اگرچه "اصطلاح اقتصاد شبکه‌ای" دارای معانی و کاربردهای گسترده‌ای است، مهم ترین معنای آن از لحاظ جغرافیایی این است که "مکان" نه تنها جایگاه هستی شناسانه اش را (درنتیجه جهانی سازی)

از دست می‌دهد، بلکه منطق و معنای آن در متون جدید، که همان متن فضای جریان هاست، جذب می‌شود که به همراه یکدیگر مجموعه‌ای از شبکه‌های فراگیر را تشکیل می‌دهند که دارای سازماندهی جهانی هستند [۱۵]. در اقتصاد جهانی چنین شبکه‌هایی فراوان اند، ولی بر طرح جغرافیایی یکی از زیرساخت‌های توان افزایی مهم و شبکه ارتباطی - یعنی توزیع جهانی جریان‌های مسافران هوایی - تأکید می‌گردد. به ویژه "...ترافیک هوایی به دلیل توانایی پاسخگویی نسبتاً سریع از لحاظ عرضه و تقاضا، شاخص مناسبی برای ارزیابی ویژگی بین‌المللی شهرهاست" [۱۶]. دو نوع نتیجه‌ای که از این تحلیل حاصل می‌شود، می‌تواند اهمیت این نوع داده‌ها را نشان دهد. (مجموعه‌داده‌ها از ژانویه تا اوت سال ۲۰۰۱ را دربر می‌گیرد و اطلاعات هشت ماه را جمع‌بندی کرده است). نخست، این پژوهش ۱۵ شهر برتر جهان را از نظر مسافران خطوط هوایی رتبه‌بندی می‌کند. هشت شهر در منطقه "MENA" در بین این شهرها قرار دارند، ولی تهران جزو آنها نیست.

نویسنده‌گان این پژوهش نتیجه گیری‌های زیر را مطرح می‌سازند: بزرگ‌ترین جریان مسافر بین منطقه‌ای اروپا و امریکای شمالی را به یکدیگر پیوند می‌دهد، و بدین ترتیب به نظر می‌رسد از رشد بازارهای مالی بین‌المللی پیروی می‌کند. سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا در سطح جهان پیشترین میزان را دارد و جریان مسافر بین این دو منطقه نیز از چنین الگویی پیروی می‌کند. همچنین با وجود بی‌ثباتی سیاسی و برخوردهای خشونت‌آمیز در باره‌های مصادره‌ذخایر نفت خارجی، تعداد مسافرانی که بین اروپا و کشورهای "MENA" تردد می‌کنند، از مسافران داخل منطقه مذکور بیشتر است دلیل این امر را می‌توان وجود قرارداد‌های همکاری اروپا- مدیترانه بین اتحادیه اروپا و برخی کشورهای خاورمیانه دانست. "دومین نتیجه جالم، پروازهایی است که در منطقه "MENA" در ده رتبه نخست قرار گرفته‌اند.

مسلمان تهران را نمی‌توان شهری جهانی نامید؛ همان‌گونه که مشاهده شد، در بخش قبل بر مبنای تعریف اصل اقتصادی جهانی ولی نکته مهم‌تر این است که تهران حتی در حال ساری، شهرهای جهانی به عنوان "گره‌ها" یا مکان‌هایی تعریف شدند که "مراکز فرماندهی اقتصاد جهانی، قطب‌های حیاتی جریان کالا، افراد و اندیشه‌ها" هستند. جهانی شدن هم نیست

اگر چه در پژوهش‌های اولیه تنها چند شهر که در رأس سلسله مراتب جهانی قرار داشتند (از قبیل لندن، نیویورک و توکیو) شهر جهانی محسوب شدند، در جدیدترین کارهایی که انجام گرفته، کوشش شده است از لحاظ نقاوت میزان ارتباط پذیری به شبکه جهانی تصویر کامل تری از این سلسله مراتب به دست داده شود. پژوهش‌های اخیر با بهره گیری از سنجه‌های تجربی سودمند بر مبنای مجموعه‌های داده‌های عینی، بنیان محکم تری را برای این الگوها و طبقه‌بندی فراهم کرد. سه شاخصی که برای سنجش میزان ارتباط پذیری شهرها به اقتصاد جهانی و پیوند های میان شهری به کار رفته اند اینها هستند:

۱. حضور شرکت‌های تخصصی در زمینه خدمات پیشرفته تولید کنندگان؛
۲. ارزش اعتباری شهرها (رتبه بندی اعتباری شهرداری‌ها و ارواح قرضه آنها)؛ و
۳. میزان و نسبت ترافیک هوایی شهرها.

اگر شهرهای بزرگی که مسلمان در زمرة شهرهای جهانی هستند کنار گذاشته شوند، سنجه‌های مذکور این امکان را می‌دهند که این پرسش دقیق تر مطرح گردد که آیا شهرهای مورد نظر جهانی هستند یا خیر، و اگر چنین است میزان جهانی بودن آنها چقدر است.

بر مبنای این سه سنجه، به اساسی می‌توان به نخستین پرسش، پاسخ گفت: آیا تهران شهری "جهانی" یا "در حال جهانی شدن" است؟ مسلمان تهران را نمی‌توان شهری جهانی نامید؛ ولی نکته مهم‌تر این است که تهران حتی در حال جهانی شدن هم نیست. در مورد سنجه نخست، تیلور و همکارانش در خصوص اینکه تهران بخشی از شبکه جهانی شرکت‌های جهانی پیشرفته است، شواهد بسیار ناجیزی یافتند (جدول ۱.D.iii). شهرداری تهران هم در فهرست شهرداری‌هایی قرار ندارد که به وسیله سازمان‌های رتبه بندی بین‌المللی از قبیل فیچ (که به هر حال کشور و حکومت ایران، را رتبه بندی کرده است) رتبه بندی شده‌اند. البته با توجه به اینکه بودجه شهرداری تهران در سال ۱۳۸۲ نفریباً ۱۰۰۰ میلیارد تومان (نقریباً یک میلیارد دلار امریکا) درآمد داشته، و در شش سال گذشته بر مبنای استانداردهای بین‌المللی مورد حسابرسی مالی مستقل قرار نگرفته است، چنین چیزی تعجب‌آور نیست! مهم‌تر اینکه آخرین حسابرسی‌هایی که انجام گرفت نتوانست بودجه را تایید کند. یکی از دلایل این امر آن است که کل نظام حسابداری شهرداری تهران بر مبنای شیوه‌های حسابداری نقدی (نقدي در برابر تعهدی) است که با استانداردهای بین‌المللی همخوانی ندارد و بنابراین مانع ارزیابی خطرها و رتبه بندی

اعتباری می شود. سرانجام آنکه، تحلیل جریان ترافیک مسافران هوایی نشان می دهد که تهران نه تنها در میان ۱۵۰ شهر جهانی قرار ندارد، بلکه در بین ده شهر اول منطقه خاور میانه هم نیست.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که تهران در خارج از گروه شهرهایی قرار دارد که فرایند جهانی شدن را آغاز کرده اند. جی. آرسورت^[۸] شهرهایی همچون تهران را سیاه چاله هایی با پیوندهای سنت با شبکه شهرهای جهانی و اقتصاد شهرهای جهانی نامیده است. او یازده شهر را شناسایی کرد که دارای سه معیار هستند: این شهرها که جمعیتی بیش از ۳ میلیون نفر دارند، در زمرة ۱۲۳ شهر جهانی قرار نگرفته اند (جدول ۱) و در قلمرو ملی شان نیز با شهری شریک نیستند. تهران از لحاظ جمعیت یکی از بزرگ ترین شهرهای این گروه است. شورت برای وجود شهرهایی که "سیاه چاله" نام گرفته اند، چهار دلیل ارائه می دهد: فقر، فروپاشی، حذف، و مقاومت. اگرچه بیشتر شهرهایی که در این فهرست قرار دارند به دلیل فقر در خارج از شبکه جای گرفته اند، وی استدلال می کند که تهران به دلیل مقاومت ناشی از موانع ایدئولوژیک در برآبر پذیرش بیشتر عملکردهای بازار سرمایه داری یا "غربی" و مهم تراز آن، پیامدهای این پذیرش، در خارج از شبکه شهرهای جهانی قرار دارد. این استدلال دقیقی است، چون نمی توان گفت ایران به فقر شدید دچار است (اگرچه کشور، طبق تعاریف بانک جهانی از لحاظ درآمد در بخش های پایین طیف متوسط قرار دارد). در بخش سوم این استدلال مطرح خواهد شد که ریشه های ناتوانی تهران در اینکه نقشی در شبکه شهرهای جهانی به احتمال زیاد در اقتصاد سیاسی دولت های اقتدارگرا نهفته است که ویزگی ایران و سایر کشورهای منطقه MENA است. علاوه بر مشکلات ویژه ای که بر سر راه توسعه ایران قرار دارند، به نظر می رسد این موانع نیز اجازه نمی دهند تهران در منطقه نقشی ایفا کند.

در آخر باید به این نکته اشاره کرد که می توان برای جهانی بودن شهرها از سنجه های دیگر نیز استفاده کرد. در اینجا به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات تهران در خارج از گروه شهرهای قرار دارد که شهرها از سایر سنجه های از قبیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد شهری یا فرایند جهانی شدن را آغاز کرده اند. جی. آرسورت میزان کالایی که از فرودگاه محلی خارج می شود استفاده نشده است، ولی در اصل شهرهایی همچون تهران را سیاه چاله هایی با پیوند نباید انجام این کار چندان دشوار باشد. برخی دیگر از شاخص ها تأثیرگذاری از جمله های سنت با شبکه شهرهای جهانی و اقتصاد می توان از تلفن بین المللی یا استفاده از اینترنت یا تماشای برنامه های تلویزیونهای شهرهای جهانی نامیده است

ماهواره ای نام برد که همه ممکن است نشانه ای از ارتباط جهانی باشند. ایرانی ها در زمان حاضر چهار میلیون تولید کننده و بلاگ جهان هستند. اکثر این و بلاگ ها و وبلاگ نویسها ظاهرآ در ایران - و به احتمال قوی در تهران - زندگی می کنند، ولی این پدیده ها با وجود اینکه شفقت انگیز به نظر می رسدند، ولی به فضای عرصه فرهنگی جهانی سازی محدود می شوند. یکی دیگر از نشانه های وضعیت غیر جهانی این است که در جست وجوی ۴۵۰۰ نشریه دانشگاهی برای وآزمای کلیدی "تهران+جهانی سازی" هیچ نتیجه ای یافت نشد.

۱-۲ جهانی سازی و الگوهای فضایی درون شهری: اکنون به دو مین جنبه بحث شهرهای جهانی، که بر نظام فضایی درون شهری (نه میان شهری) متمرکز است، پرداخته می شود. بر سرش اصلی در مورد تأثیر جهانی سازی بر شکل فضایی شهری را می توان این گونه مطرح کرد: آیا ساختار فضایی جدیدی در شهرها وجود دارد که بتوان به جهانی سازی نسبت داد؟ اگرچنان باشد، ویژگیهای الگوی فضایی شهرهای در حال جهانی شدن چیست؟ اگر، آن طور که برخی نویسندهای این ادعا می کنند، جهانی سازی از حدود سال ۱۹۷۰ به عنوان پویش مسلط سیستم سرمایه داری بین المللی ظاهر شده باشد و شهرهای جهانی یا شهرهایی که فرایند جهانی شدن را آغاز کرده اند دارای شکل فضایی متمایزی باشند، آن گاه باید بتوان الگوی فضایی شهرهایی قبل و پس از این تاریخ را برای تعیین وقوع یا عدم وقوع تغییرات گسترده مقایسه کرد. اگر تفاوت های عده ای وجود داشته باشد، مرحله بعدی انتساب نظری این تغییرات به فرایندهای جهانی سازی است.

نظریه پردازان شهری فرضیات متعددی را در مورد این مسئله مطرح ساخته اند. شاید مهم ترین فرضیه، این ادعای ساسن است که پیوستگی بیشتر به نظام جهانی به افزایش شکاف میان طبقات اجتماعی و فضایی در این شهرها می انجامد. او ادعا می کند که جذب بیشتر در شبکه های جهانی سرمایه و اقتصاد به افزایش فاصله میان طبقات متخصصان و مدیرانی که در اقتصاد جهانی مبتتنی بر اطلاعات فعلیت می کنند، و طبقه کارگران مهاجر و فاقد مهارتی می انجامد که هر روز تعدادشان بیشتر می شود، و اکثر آنها از کشورهای جهان سوم و نواحی روستایی هستند، و در مشاغل خدماتی و شغل های پست و کم درآمد اشتغال دارند. در واقع، بسیاری از این مشاغل کم

درآمد به نیازهای تجاري و مسکوني متخصصان ثروتمند پاسخ مي دهدن. يكى از دلائل اصلی قطبى شدن روز افزون اين است که جهاني سازى مشاغل پر درآمد و بخش مالي و شركتى، و مشاغل کم درآمد و کم مهارت بخش خدمات را جايگزین مشاغل صنعتى مي سازد. برخلاف دوره صنعتى شدن که کارگران غير ماهر ستون فقرات اقتصاد را تشکيل مي دادند، جهاني سازى باعث مي شود که مشاغل صنعتى از شهرهای اصلي خارج شوند و جاي خود را به کارهای بخش خدمات که الزامات مهارتی قطبى تري دارند، بدنهند. كسانى که در انتهای طيف مشاغل قرار دارند، به ويزه اگر مهاجران مناطق روستا ي يا كشورهای فقيرتر جهان سوم باشند، برای به دست آوردن مشاغل کم درآمد رفاقت مي کنند: "ساختمان فعالیت اقتصادي تغییراتی را در سازماندهی کار ایجاد کرده است که در دگرگونی عميق عرضه مشاغل آشکار است و توزيع درآمد و توزيع مشاغل در بين کارگران را قطبی ساخته است". بتایراين به گفته ساسن، شهرهایي که فرایند جهاني شدن را آغاز کرده اند، با دو روند مرتبه موافقه اند: "از يك سو، آنها سهم نامتناسبی از قدرت شرکتی را متمرکز مي کنند؛ و از سوی ديگر سهم نامتناسبی از محرومان را متمرکز مي سازند و يكى از مكان های اصلي ارزش زدایي آنها به شمار مي آيند". يكى ديگر از عواملی که به قطبی شدن بيشتر کمک مي کند، کاهش حمایت دولت رفاهی از فقر و طبقه کارگر است که زاییده فشار روزافزون رفاقت بين المللی بر بودجه دولت هاست.

این شکاف اجتماعی و قطبی سازی بيشتر در شکل های فضایي از قبيل تبعيض اجتماعی - فضایي بيشتر و سایر الگوهای فضایي ويزه از قبيل ایجاد محله های اشرفی، متروک شدن مناطق تولیدی سابق و نظایر اينها نمایان است. البته توافق همگانی در اين باره وجود ندارد، و حتی ساسن نيز در باره روابط على فرضی با احتماط اظهار نظر مي کند که در منابع موجود راجع به فرضیه مذکور درباره شهر جهاني می توان شکل های فضایي شهری متعددی را ديد. از جمله می توان از حضور روزافزون شکل های زير در شهرها نام برد:

- درها یا محلهای محصور اعضای ثروتمند و طبقه نخبگان بر جسته اقتصاد اطلاعاتی جهانی. این محله ها یا مجتمع های مسکوني درون شهرها به نحو روزافزونی با دروازه ها محصور می شوند و نگهبانان خصوصی یا پلیس، حفاظت از آنها را بر عهده می گيرند. اين مجتمع ها خودکفا هستند، با مغازه ها، باشگاه های ورزشی، و سایر خدماتی که در آنها ارائه می شود. اين دزهای جدید بيش از محله های اطراف شان با محله های محصور سایر شهرهای جهاني ارتباط دارند. در سائوپولو، نخبگان با هليکوپتر از محل سکونت خود به محل کارشان می روند و به ندرت در خیابان ها ظاهر می شوند.

● شهرهای حومه ای پیشرفت: برخلاف روند شکل گيري کلانشهرها، شهرهای حومه ای، شهرهای جدید خودکفایی هستند که در حومه های شهر ساخته شده اند ولی با اقتصاد شهری ارتباط دارند. نمونه های بسياری از اين شهرها مشاهده می شوند. از جمله می توان از بنگلور هند نام برد که به يكى از مراکز مهم صنعت جهانی رايابه تبدیل شده است. در واقع اين شهر به يكى از "شهرهای اطلاعاتی" بر جسته بدل گردیده و توسعه شهری آن نيز نمایانگر اين ويزگي است. دو "مجتمع شرکتی" (شهرک) اينفوسيس و پارک فني بين المللی در حاشیه اين شهر احداث گردیده اند. اينفوسيس محوطه ای به وسعت ۲۰ هكتار با ۱/۳۵ ميليون فوت مربع ساختمن است. پارک فني بين المللی که ۱۸ کيلومتر با مرکز شهر فاصله دارد دارای تقریباً ۲ ميليون فوت مربع فضاي دفتری، ۱/۵ ميليون فوت مربع فضاي تولیدی، ۴۰۰ فضاي مسکوني عمومي و امکانات زيربنائي اختصاصي (آب، گاز، برق، حمل و نقل و البته شبکه های ارتباط جهاني ديجيتال) است. اينها مناطق محصور انحصاری نخبگان و دارای دروازه و نگهبان هستند. گوادالاجراي در گوادالاخارا در مکزيکو داراي شهرک پیشرفتة مشابهی است. بر خلاف بنگلور که حکومت ایالتی با پرداخت يارانه و تامين سایر امکانات زيربنائي برای جذب اين شركت های بين المللی و تامين محيطي مناسب برای رشد شركتهای هندی از سرمایه گذاران اصلي بوده است. گوادالاجرا رویکرد بازتری را نسبت به توسعه شهری در پيش گرفته است. کل هزنه ۴۰۰ ميليون دلاری مرکز جدید JVC که شامل ۳۰۰ هكتار فضاي اداري، مسکوني و فرهنگي است به وسیله يك شركت ساختمن تامين شده است. اين مرکز نيز در خارج از شهر قرار دارد. در هر دو مورد، اين شهرک های پیشرفتة با اکثر ساکنان قبیر شهر که در جلبی آبادها زندگی می کنند و در حاشیه اقتصاد نوبن جهاني قرار دارند (و البته از اين تحولات گرانقیمت حذف شده اند) همزیستی دارند. به عقیده کاستلر، اين شهرک ها نمایانگر (۱) شالوده های اطلاعاتی است که اين شهرها را به سایر شهرهای شبکه جهاني متصل می کند، و (۲) ترجیحات مسکوني نخبگان عصر اطلاعات هستند[۹]. اين

شهرها در ایالات متحده امریکا "شهرهای پسا-فوردی" و در مکریک شهرهای نولیبرال نامیده می‌شوند.

- منطقه‌ای سازی؛ پیوند روزافزون بازارهای مسکن و کار شهرهای مستقل سابق با منطقه‌ای رقابتی و بزرگتر. این مسئله با ایجاد کلانشهرها ارتباط دارد.

محله‌های فقیرنشین؛ روی دیگر سکه محله‌های محصور نخبه نشین محله‌های فقیرنشین است که به تمرکز فقر بیشتری دچارند. این مسئله ممکن است شامل محله‌های محصور قومی یا نژادی نیز باشد.

پرسش این است که تا چه حد این اشکال مشخص شهری و به ویژه توین (الف) به دوره چند دهه اخیر تعلق دارد و (ب) تا چه حد می‌توان آنها را مستقیماً به روند جهانی سازی منتسب ساخت. مارکوز و فن کمپن [۱۰] در کتاب خود؛ "شهرهای در حال جهانی شدن: یک نظام فضایی جدید" از چند تن از همکاران خود خواستند تا فرضیه شهر جهانی فوق را با هشت مورد پژوهشی شهرهایی همچون کلکته (هند)، ریودوژانیرو (برزیل)، سنتگاپور و نیویورک آزمایش کنند. خلاصه نتیجه گیری آنها این است که موارد پژوهشی در قالب فرضیه شهر جهانی - یعنی این که گسترش کارکردهای مالی و شرکتی در یک شهر علت قطبی سازی طبقاتی و فضایی بیشتر هستند - را تأیید نمی‌کند. به نظر آنها، تغییرات شهری "با فرایند جهانی سازی ارتباط دارد، ولی این ارتباط منحصر به جهانی سازی و ارتباطی غیر مستقیم است".

پیامدها برای تهران؛ این پرسش که تحولات اجتماعی- فضایی اخیر در تهران تا چه حد نظریه مذکور را تأیید یا تکذیب می‌کند، جای بحث دارد؛ چون شواهد حاکی از آن اند که تهران به هیچ وجه گام در راه جهانی شدن ننهاده است. با وجود این، اگر شواهدی نشان از تعیین اجتماعی- فضایی روز افزون در غیاب جهانی سازی داشته باشد، این مسئله دلیل قدرتمندی برای اصلاح نظریه شهر جهانی است که این دگرگونی‌ها را فقط ناشی از جهانی سازی اقتصادی می‌داند. این وظیفه پژوهشی مهمی است که باید بر مبنای داده‌های تفصیلی تهران بدان نایل شد.

پرسش ۲؛ جهانی سازی یا بهره‌وری؛ چالش اصلی که فراروی تهران قرار دارد چیست؟
همچنین می‌توان موضوع جهانی سازی را از منظر پیش نیازهای فضایی جهانی سازی فراینده با زیست‌پذیری یا بهره‌وری بیشتر بررسی کرد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است: آیا شکل فضایی خاصی وجود دارد که تهران، برای بهره‌مند شدن از مزایای جهانی سازی باید آن را برگزیند یا رعایت کند؟ آیا رهنمودهایی وجود دارند که برنامه ریزان شهری و فضایی، اگر در پی افزایش نقش کلانشهر تهران در عرصه‌های ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی هستند، باید دنبال کنند؟

برای پرداختن به این پرسش دو رویکرد اصلی وجود دارد. نخستین رویکرد، به فضا و محیط فیزیکی شهر می‌پردازد. این کارکردها معمولاً در حوزه وظایف برنامه ریزان شهری و مدیران شهرداری (از جمله شهردار و شورای شهر) قرار دارند. ابزارهایی که بدین منظور به کار می‌روند، ابزارهایی سنتی از قبیل برنامه ریزی آمایش سرزمین، منطقه‌بندی، و برنامه ریزی برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی هستند که در دسترس برنامه ریزان شهری و مدیران شهرداری قرار دارند. رویکرد دوم از برنامه ریزی فیزیکی گستردۀ تر است و شامل اینهاست سیاست‌های تجارت ملی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تسهیلات شهری از قبیل حمل و نقل و مخابرات، مقررات بانکداری و بخش اعتباری (mortgage sector)، قوانینی که به شهرداری‌ها اجازه انتشار اوراق فرضیه یا استفاده از وام‌های تجاری را بدهند، و تصمیمات سیاسی برای آزادی افراد در استفاده و دسترسی به اینترنت و سایر رسانه‌های اطلاعاتی. این تصمیمات خارج از حیطه نقش و ابزارهای سنتی برنامه ریزان قرار دارند و اگرچه ممکن است بر فضا ناچیز بگذارند، به معنای دقیق کلمه سیاست‌های فضایی نیستند. در بخش‌های بعدی جداگانه به این دو موضوع پرداخته خواهد شد. لیکن باید به این نکته نیز توجه کرد که در ایران این دو جنبه از طریق تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری با یکدیگر مرتبط شده‌اند. این شورا که مسؤولیت نهایی تأیید طرح جامع تهران را بر عهده دارد، سازمانی بین وزارتی است و بنابراین هر طرحی که شامل عناصر راهبردی مرتبط با زمینه‌هایی همچون صنعت، تجارت یا بانکداری باشد، می‌تواند در چارچوب گستردۀ تر و به وسیله وزراتخانه‌های ذی ربط بررسی شود. با این حال، بهتر است این دو جنبه به صورت جداگانه تحلیل گردد.

همانطور که در بحث قبل ذکر شد، کسب جایگاه شهر جهانی نیازمند برخی الزامات زیربنایی است که می‌تواند آنها را "پیش نیازهای" جهانی سازی یا افزایش بهره‌وری نماید. از جمله می‌توان به ارتباط پذیری و

جدول ۱. فهرست شهرهای جهانی GAWC
شهرها بر اساس امتیازات ۱۲ از لحاظ جهانی بودن رتبه بندی شده‌اند.

نام شهر	میزان امتیازات	طبقه بندی شهرها
لندن، پاریس، نیویورک، توکیو،	۱۲	شهرهای جهانی آنفا
شیکاگو، فرانکفورت، هنگ کنگ، لس آنجلس، میلان، سنتکاپور	۱۰	
سانفرانسیسکو، سیدنی، تورونتو، ذوبایخ.	۹	شهرهای جهانی بتا
بروکسل، مادرید، مکزیکو سیتی، سائوپولو	۸	
مسکو، سنت پترزبورگ، میلان، دالاس، دوسلدورف، رُنو، هاستینون،	۷	
آمستردام، بوستون، کاراکاس، جاکارتا، زوهلانسبورگ، ملبورن، اوساکا، پراگ، سانکتپترن، واشنگتن،	۶	
بانکوک، پکن، استکلهلم، ورشو.	۵	شهرهای جهانی کاما
آتلانتا، پارسلون، برلین، بوینس آیرس، بوئنوس آیرس، پنچاک، هامبورگ، استانبول، کوالالمپور، مانیل، میانمار، مینه آپولیس، مونترال، مونیخ، شانگھای.	۴	
اوکلند، بوبلین، هلسینکی، لوگزامبورگ، لیون، بمبئی، دهلی نو، فیلانقیا، ریووژانیرو، تل آویو، وین.	۳	شواهد نسبتاً قوی
ابوظبی، آلمانی، آتن، بیرونگام، بوگوتا، برایسلوا، بریسیان، بوخارست، قاهره، کلیولند، کوالون، دترویت، دبی، شهر هوشی میان کنی، بیف، لیما، لیسیون، منچستر، مونتی ویدیو، اسلو، ریزام، ریاض، سیاتل، اشتونگارت، لاهه، ونکوور.	۲	شهرهای دارای شواهد نسبتاً قوی تا کمترین شواهد از لحاظ جهانی بودن
آدلاید، آنتورپ، آروس، بالتمور، بنگالور، بولوندا، بریلیا، کالکری، کیپ تاون، کلیپر، کلمبوس، درودن، ادین بر، جوا، کلاسک، کوتبرگ، گوانگجو، هانوی، کانزاس سیتی، لیدز، لیل، مارسی، ریچموند، سن پترزبورگ، تاشکند، تهران، یوان، تورن، اورتخت، ولینکتون.	۱	کمترین شواهد

ظرفیت فناوری ارتباطات و مدیریت خردمندانه تر ترافیک و آلودگی اشاره کرد که هزینه های تجارت در شهر را کاهش می دهد. چه بسا مهم ترین پیش نیاز همان استفاده از زمین های گران قیمت مرکز شهر برای بخش هایی از اقتصاد - یعنی بخش خدماتی و مالی - باشد که بیشترین ارزش افزوده را تولید می کنند. این الزامات تا حدی ملاحظات استاندارد و دیرپایی هستند که شهر، به عنوان واحد اقتصادی مبتنی بر اقتصاد های متراکم و کمینه سازی هزینه های مرتبط با تراکم، همواره باید به آنها پاسخ دهد. از سوی دیگر، تغییر سیمای شهر نتیجه گرایش بلندمدت از اقتصاد صنعتی به پساصنعتی یا پسافوری است در یکصد سال گذشته شهرها در بسیاری از قسمت های جهان دگرگون شده اند و از اقتصاد صنعتی با کارخانه هایی در مرکز شهر، به اقتصاد هایی بدل گردیده اند که بر ارائه خدمات مختلف استوارند. با انتقال کاربردهای صنعتی از مرکز به مناطق حاشیه ای که زمین فراوان و ارزان تر است، شهرها در صدد جذب کسب و کارها و سرمایه گذاری های جدید در مراکز متروک برآمده اند. این پدیده در همه کشورهای در حال توسعه به چشم می خورد. مثلاً در جاکارتای اندونزی، دولت با احداث برج ها و فضاهای اداری تجاری برای استقرار خدمات پیشرفته تولیدی که در اقتصاد جهانی ارزش افزوده بیشتری دارند، سیاست تشید استفاده از زمین های مرکز شهر را به اجرا درآورد. سنگاپور با انتخاب سیاست "شهر اطلاعاتی" نوعی اداره و فضای صنعتی "هوشمند" ایجاد کرد که شرکت های چند ملیتی خواستار آن بودند. بانکوک برای حل مشکلات حمل و نقل و بهره مند شدن از نماد مدرنیته و فناوری مدرن، دست به احداث ترن هوایی زد. توکیو و نیویورک هردو احداث مجتمع های مرتفع و دارای فناوری پیشرفته را تشویق کردند که اغلب با استفاده از ترکیبی از کاربردهای تجاری، اداری، مسکونی و فرهنگی در مرکز شهرها جایگزین کاربری های صنعتی سابق می شد. مثلاً در توکیو، از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱، استفاده از زمین برای مقاصد تجاری ۳۰ درصد افزایش پیدا کرد، و استفاده از زمین برای کاربردهای صنعتی بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت. از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، نسبت فضایی که در مرکز توکیو به دفاتر اختصاص یافت، از ۴۶ درصد به ۵۶ درصد افزایش یافت، و کارخانه ها و انبارها از ۸/۵ درصد به کمتر از ۶ درصد کاهش پیدا کردند [۱۱]. همچون بسیاری از شهرهای دیگر، هدف اصلی

به عقیده کاستلز، این شهرک ها نمایانگر (۱) شالوده های اطلاعاتی است که این شهرها را به سایر شهرهای شبکه جهانی متصل می کند، و (۲) ترجیحات مسکونی نخبگان عصر اطلاعات هستند. این شهرها در ایالات متحده امریکا "شهرهای پسا-فوری" و در مکزیک شهرهای نولیرال نامیده می شوند

[باشوه]

1 Joseph Stiglitz, *Globalization and Its Discontents*, New York: Norton, 2003, 10.

F Reflexive

3 P. Taylor, D.R.F. Walker and J.V. Beaventstock , "Firms and their Global Service Networks", quoted from GaWC Research Bulletin 6, Published in S. Sassen (ed.) (2002) *Global Networks, Linked Cities*. New York, London: Routledge, 93 ff., 47.

54. Nikitin and A. Romashov, 2003 "The Global Geography of Credit Ratings in Past and Present : Exploratory Steps", GaWC Research Bulletin 6/Castles, 1996.

74. Willow, L., Verecken and B. Denuder, 2004, "Mapping the Global Network Economy on the Basis of Air Passenger Transport Flows", GaWC BR 157.

8 MENA: Middle East and North Africa.

9 J. R. Short, "Black Holes and Loose Connections in the Global Urban Network".

10 Yvonne Audine, "Information Age Landscapes Outside the Developed World: Bangalore, India and Guadalajara, Mexico", *Journal of the American Planning Association*: Winter 2003, 69.

11 Peter Marcuse and van Kempen, Introduction in *Globalizing Cities: A New Spatial Order?* (Oxford: Blackwell, 2000).

13 Paul Waley, 2000, "Tokyo: Pattern of

تجدید ساختار شهری در توکیو، استفاده بیشتر از زمین های مرکز شهر بود که بیشترین قیمت را داشتند. مدل دیگری که در بنگلور و مکزیکو به کار رفته، ایجاد شرایط مالی و فضایی برای احداث شهرهای "پیرامونی" [۱۲] است. این شهرها حومه های شهر قدیم هستند که می توانند شرکت های مبتنی بر اطلاعات را جذب کنند. به نظر می رسد که مسئله نقش تهران در متن ملی و بین المللی در اصل به سیاست هایی که برای بهبود کارایی با بهره وری و زیست پذیری شهر را در پیش گرفته می شود ارتباط دارد. شاید توان این موضوع را در خارج از چارچوب جهانی سازی برسی کرد. سیاست های بسیاری را می توان در وضعیت کنونی و غیر جهانی تهران دریش گرفت. مثلاً طرح راهبردی شهرداری تهران (تهران ۸۰) اولویت های متعددی را به عنوان نقصه واه خود تعیین کرده است. این اولویت ها عبارت اند از: شهر پاک، یا شهری که آلودگی آن تحت کنترل باشد؛ شهر روان، با ترافیک و حمل و نقل درون شهری کارآمد؛ شهر سبز، با گسترش فضاهای سبز در آن؛ شهر فرهنگی، با گسترش فضای آموزشی و فرهنگی برای افزایش فرهنگ شهر؛ شهر پویا، که نیازهای شهر وندان برای خدمات اداری با بیشترین سرعت ممکن در آن رفع می شوند. علاوه بر این، شاخص های متعدد و مناسب دیگری نیز وجود دارد که می توان برای سنجیدن پیشرفت به سوی این اهداف به کار برد [۱۳]. تولید ناخالص داخلی شهر و امیزه این بهره وری از شاخص های دیگری هستند که می توان برای این منظور به کار برد.

آیا می توان برای این پرسش، پاسخ روشن و یگانه ای یافت که: "آیا برای اینکه شهر نقشی جهانی تر ایفا کند باید از لحظه فیزیکی یا امایش سرزمین دارای پیش نیازهای خاصی باشد؟" به طور خلاصه، به نظر می رسد در پاسخ به این پرسش، تنها نیاز به توانایی ارائه زمین های متتمرکز کافی است که معمولاً در مرکز شهر یا در تعدادی از مراکز فرعی در سرتاسر شهر قرار دارند و می توانند خدمات تولیدی مبتنی بر اطلاعات را که دارای ارزش افزوده زیادی هستند و بر سطوح بالای اقتصاد جهانی مسلط اند، در خود جای دهند. کاربری های صنعتی معمولاً از مرکز به حومه های شهر رانده

می شوند؛ ولی در منابع موجود الگوی مسکونی ویره ای به عنوان پیش نیاز شهرهای جهانی رقابتی ذکر نشده است. می توان گفت که نخبگان اقتصاد اطلاعاتی امروز، با توجه به میزان کم تشکیل خانواده و شکل گیری دیرهنگام آن، و همچنین برخی الگوهای فرهنگی مصرف، نوعی شرایط زیستی "مدرن" سطح بالا را ترجیح می دهند. شاید نیاز به فناوری های پیشرفته همچومن خطوط ارتباطی پرسرعت اینترنت و تلویزیون ماهواره ای تشدید شود که البته ارائه آنها، به ویره در مواردی که به دلیل ملاحظات فرهنگی و اقتصادی به همه شهر و ندان امکان پذیر نیست تنهای در یک دز، محله محصور با شهر حاشیه ای میسر است. البته بعيد است که اینها الزاماً انعطاف ناپذیر باشند؛ و در عین حال سایر شکل های فرهنگی محلی الگوهای مسکونی نیز امکان پذیرند و با پیشرفت سایر شاخص های اجتماعی - فضایی همخوانی دارند.

Familiarity and Partitions of Difference", in Marcuse and Van Kempen (eds), p. 135.

12-Edge Cities

۱۳- مثلاً بزرگ فوستیت از شاخه های زاپرده توسعه شهری
بلکه همچنان مکان کنید با مقابله با این توسعه فوستیت می توان در راه راه کشور را
کشور را مکاری کنید یا علاقه اندور فوستیت اینها را تقویت کنند. شهر را راه تقویت
قوار نمایند.

14-Mehran Kamrava, "Structural Impediments to Economic Globalization in the Middle East", Middle East Policy, vol. xi, no. 4, Winter 2004.

15-Better Governance for Development in the Middle East and North Africa, World Bank, Washington D.C., 2003, p. 79-80.

منابع:

1-India Bangalore-Jyonne Audirac, "Information Age: Landscapes Planning Association, Winter 2003; 69. Guadalajara, Mexico" Journal World Bangalore, and of the American Outside the Developed

-Alain Bertaud, "The spatial organization of cities"

2-Deliberate outcome or unforeseen consequence?

"May 2002, <http://alain-bertaud.com>

3-Caldwell, Teresa, 2001, City of Walls: Crime, Segregation and Citizenship in São Paulo, Berkeley: University of California Press.

4-Castells, Manuel, 1998, The Information Age, Volume I: The Rise of the Network Society, Oxford: Blackwell;

5-Habitat (UNHCR) 2003, Cities in a Globalizing World, London: Earthscan.

6-Jean Hunroyer and Seteney Shami, Editors, 1996, Annan: Ville et Société, Centre D'Etudes et de Recherches sur le Moyen-Orient Contemporain, Beirut, Lebanon.

7-Mehran Kamrava, "Structural Impediments To Economic Globalization in the Middle East" Middle East Policy, vol. xi, no. 4, winter 2004,

نکته مهم این است که ایران در منطقه اقتصادی ای قرار دارد که نسبت به سایر جهان بسیار ضعیف است. بانک جهانی گزارش می دهد که از سال ۱۹۸۵ تا سال ۲۰۰۰، رشد سرانه منطقه MENA تنها سالی ۵/۰ درصد بوده است. بر عکس، اقتصاد کشورهای شرق آسیا در چهل سال گذشته رشد سالیانه پایدار ۵ درصد یا بیشتر داشته اند

همان طور که به هنگام بررسی جایگاه شهر جهانی ذکر شد، همه شرایط لازم برای اینکه شهری بتواند به سوی جایگاه شهر جهانی حرکت کند، به برنامه ریزی فیزیکی و دخالت مستقیم برنامه ریزان شهری وابسته نیست. اکثر راهبردها شامل امیزه ای از آمایش سرزمین و اصلاحات گسترده تر اقتصادی مدیریتی و سازمانی است.

فعالیت های بسیاری هست که شهرداری می تواند برای افزایش بهره وری و زیست پذیری انجام دهد. استدلال این است که پرسش پیش نیازهای فضایی و اهداف برنامه ریزی بیشتر در زمینه زیست پذیری و بهره وری بیشتر شهرها مطرح می شود، و نه به گونه ای مرتبط با خود جهانی سازی.

ولی این مسئله، مقوله میزان امکان پذیری افزایش زیست پذیری و بهره وری در غیاب دست کم برخی از جنبه های جهانی سازی را مطرح می سازد. ظاهراً پاسخ به این پرسش به هیچ وجه ساده نیست، و تحلیل بیشتری را طلب می کند. برخی اهداف بدون شک بیش از آنها دیگر به جهانی سازی وابسته اند و به پژوهش بیشتر نیاز دارند.

پرسش ۳: موانع تبدیل تهران به شهری جهانی کدام اند؟

متأسفاً نه در تهران (و ایران)، گزینه های موجود در زمینه جهانی سازی بیشتر بایتخت از جنبه های متعدد با محدودیتهای شدیدی مواجه است. نخست اینکه از لحاظ پیوند ها و سرمایه گذاری های بین المللی، سرنوشت شهرداری تقریباً یکسره از طریق سیاست های حکومت ملی تعیین می شود. چنین چیزی نامعمول نیست، ولی بدین

سرنوشت شهرداری تقریباً یکسره از طریق سیاست های حکومت ملی تعیین می شود.
چنین چیزی نامعمول نیست، ولی بدین معناست که شهرداری حتی اگر بخواهد هم برای غلبه بر موانع ایجاد پیوند های بین المللی بیشتر بایتخت از جنبه های محدودیت های بین المللی بیشتر بایتخت باشد. در مواردی هم که حکومت ملی ایجاد جدی ایجاد نمی کند، ساختار مدیریت کهنه و ناکارآمد شهرداری تهران مانع از پیوند های بین المللی بیشتر می شود

معناست که شهرداری حتی اگر بخواهد هم برای غلبه بر موانع ایجاد پیوند های بین المللی بیشتر بدون حمایت ملی با دشواری های بسیاری روبه رو خواهد بود. به عنوان نوعی ارزش، بهبود عملکرد اقتصادی در سطح ملی یا در پایتخت با سایر ارزش های عقیدتی و سیاسی متعارض رقابت می کند. این نیز به خودی خود نامعمول نیست. ولی گزینه هایی را که فرارویی کلانشهر تهران قرار دارد محدود می سازد. نتیجه این شرایط، ساختار اقتصادی ضعیف است. به موجب برآوردهای واحد اطلاعات اقتصادی، جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ به طور

- میانگین ۳۴۰ میلیون دلار امریکا، یعنی نصف آذربایجان و ۲۰ درصد قزاقستان است. این میزان تنها ۵ درصد سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در عربستان است. طبق رتبه بندی سازمان خدمات مشورتی تجاری که در لندن مستقر است، با در نظر گرفتن مساله همچون زیرساخت‌های کشور، اصلاحات تجاری و بوروکراسی، محیط تجاری ایران بعد از نیجریه بدترین محیط جهان برای جذب سرمایه‌های خارجی است (۱۶ مارس ۲۰۰۲ میلادی).
- دوم اینکه در مواردی هم که حکومت ملی موافع جدی ایجاد نمی‌کند، ساختار مدیریت کهنه و ناکارآمد شهرداری تهران مانع از پیوند های بین المللی بیشتر می‌شود. در سال ۲۰۰۵، بانک جهانی به دلیل فقدان حساب‌های مالی شفاف، برای پرداخت مستقیم، وام به برنامه‌های شهرداری با مشکل مواجه گشت. طبیعتاً موافع سرمایه‌گذاری های زندگی و اطلاعات که از بنیان‌های اقتصاد اطلاعاتی بین المللی است وجود دارد که نیازمند توجه است. آخرین و مهم‌ترین نکته‌این است که حتی اگر در شهرداری‌ها و در سطح ملی اراده‌ای برای حل این مشکلات وجود می‌داشت، اقتصاد سیاسی و ساختار قدرت در ایران و منطقه خاور میانه موافع جدی را ایجاد می‌کند که اجازه نمی‌دهد ایران و تهران جهانی تر شوند. به گفته برخی اقتصاددانان، کشورهایی همچون ایران و دیگر کشورهای خاور میانه برای پیوند بیشتر با اقتصاد جهانی با موافع متعددی روبه رو هستند، که ریشه در اقتصاد سیاسی دولت‌های اقتدارگرایی دارد که به درآمدهای نقی وابسته‌اند [۱۴]. سیاست‌های تجاری دولت به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که به جای بهره‌برداری از منافع تجارت جهانی انحصار قدرت نخبگان را حفظ کنند؛ مشکلات اقتصادهایی که صادرات آنها کالاهایی همچون نفت یا گاز متمرکز است؛ فقدان ساختارهای مدیریتی شفاف و پاسخگو، مانع از استانداردسازی، ثبات و نهادینه کردن روابط تجاری می‌شود؛ محدودیت‌هایی که در زمینه تماسای شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، و مطبوعات و رادیو تلویزیون اعمال می‌گردد باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی توانند اطلاعات بهنگامی را که برای تصمیمات سرمایه‌گذاری ضروری است به دست آورند. فهرست این موافع را می‌توان باز هم ادامه داد، ولی نکته‌مهم این است که ایران در منطقه اقتصادی ای قرار دارد که نسبت به سایر جهان بسیار ضعیف است. بانک جهانی گزارش می‌دهد که از سال ۱۹۸۵ تا سال ۲۰۰۰، رشد سرانه منطقه MENA تنها سالی ۱/۵ درصد بوده است (از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۰، رشد تولید ناخالص سرانه از حدود ۴ درصد به کمتر از نیم درصد کاهش یافته است). بر عکس، اقتصاد کشورهای شرق آسیا در چهل سال گذشته رشد سالیانه پایدار ۵ درصد یا بیشتر داشته‌اند. بی‌ثباتی و افت و خیز رشد در منطقه MENA پنج برابر کشورهای شرق آسیا بوده است. چرا یکی از دلایل اصلی شرایط حکمرانی ضعیف تر در کشورهای MENA است [۱۵].
- ### نتیجه‌گیری و خلاصه
- اکنون در جایگاهی قرار داریم که می‌توانیم برای سه پرسشی که در ابتدای این مقاله مطرح ساختیم، پاسخ‌هایی مقدماتی ارائه دهیم. البته همه آنها نیازمند بحث و بررسی بیشتر هستند. در پاسخ به نخستین پرسش‌می توان گفت که تهران شهری جهانی نیست. مهم‌تر اینکه شواهد قدرتمندی وجود دارد که نشان می‌دهد تهران فرایند جهانی شدن را حتی آغاز هم نکرده است و از بسیاری جنبه‌ها، از این فرایند فاصله‌می‌گیرد. ضمناً، همان طور که ذکر شد، در راه تبدیل تهران به شهری جهانی موافع بسیاری وجود دارد. بخشی از این موافع در ناکارایی مدیریت سازمانی ساختار شهرداری تهران ریشه دارد که توانسته است برخی از مشکلات زیربنایی اصلی همچون ترافیک را حل کند و مدیریت مالی شهر را پیش‌فرنده تر سازد. ریشه برخی دیگر از موافع در اقتصاد سیاسی ممکنی به نفت کشور است که از ویژگی‌های مشترک ایران و سایر کشورهای منطقه به شمار می‌آید. موافع دیگری نیز هستند که با محدودیت‌های ایدئولوژیکی ای ارتباط می‌یابند - و به روشی دیده می‌شود که این از سطح مدیریتی شهری فراتر است.
- اگرچه به راحتی نمی‌توان گفت که دقیقاً دستیابی به شهری کارا تا چه حد به جهانی سازی وابسته است، و مسلماً در برخی زمینه‌ها چنین رابطه‌ای وجود دارد. پیام مقاله حاضر این است که باید میان این پرسش که "آیا تهران باید به شهری جهانی تبدیل شود؟" و این پرسش که "چگونه می‌توان بهره‌وری و زیست‌پذیری تهران را افزایش داد؟" تمايز قابل شد. لذا مسلماً طیفی از سیاست‌ها (فضایی و غیر فضایی) وجود دارد که می‌توان آنها را بدون اینکه الزاماً به موضوع جهانی سازی مرتبط باشند، برای افزایش بهره‌وری و زیست‌پذیری تهران به کار بست.